



۱۳۴۱

مدیر: مهدی فشنگچی



بها: ۵۰ ریال

شماره دوم

یک تقویم بنلی رایگان ضمیمه این سالنامه است

چاپ درخشان

خوانندگان محترم

یکسال گذشت و دویمین سالنامه امید ایران با کوشش چندماهه نویسندگان و مترجمان شهوری که همواره دانشمندان سرشناس کشور هستند بزینت طبع آراسته شد.

اکنون که سالنامه و تنویم امید ایران بدست شما خوانندگان عزیز رسیده بن امید فراوان دارم که هر سال بر اثر راهنمایی و هدایت خردمندان شما بتوانم بهتر از سال پیش نشریه نفیس تری بوجود بیاورم.

نمی توانم بگویم که این سالنامه از هر گونه عیب و نقص مبرا است و در حقیقت نشریه ایده آلی است که بخوبی میتواند باب ذوق و سلیقه هزاران نفر از خوانندگان شود. ولی چون نگارنده با تمام گرفتاریهایی که در مجله امید ایران دارم دو سال است با تکیه و تشویق و راهنمایی مدیر ارجمند مجله امید ایران آقای علی اکبر صفی پور دست با انتشار سالنامه امید ایران زده ام و در کانون گرم امید ایران دوستان و همکارانم در این کار از هر گونه همکاری صمیمانه خودداری نمی کنند خود بخود و بجایاتی فراهم شده که همیشه تدارک سالنامه آینده از گذشته بهتر باشد بخصوص که دوست عالیقدر و شاعر ارجمند آقای محمد کلانتری بیشتر وقت خود را بجمع آوری و تنظیم مطالب سالنامه امید ایران صرف نموده و بن ضمن نهایت تشکر از دوستان دور و نزدیک که در مرکز مملکت و قضی نقاط ایران سبب گسترش این سالنامه شده اند از صمیم قلب از همکاران مطبوعاتی عموماً و آقای کلانتری خصوصاً سپاسگزارم و این امید را برای خود حفظ می کنم که همه ساله با انتشار سالنامه امید ایران رشته ارتباط بیشتری آمیخته با عودت و صمیمیت با خوانندگان محترم بوجود بیاورم.

مدیر سالنامه امید ایران - مهدی فشنگچی



اعلیٰ حضرت ہمایونی
وارث شاہنشاہی دو ہزار و پانصد سالہ ایران

هموطن !

قلب خود را بعنوان
کمترین هدیه برای بیشترین
آرزو بتو تقدیم میکنیم و
در آستان خورشید زده
عشقهای بزرگتر نوروز
برای تو شادبها و
امیدواریهای درخشان تری
رامیخواهیم .



درخت فنیجه بر آورد و بلبلان مستند

جهان جوان شد و یاران بهیش بنشینند

« سعدی »

آنچه خواهید خواند:

۱۱	تا	صفحه ۷	از سالیکه گذشت:	ایران در سالیکه گذشت
۲۹	»	»	»	دنیادرسال ۱۳۴۰:
۳۹	»	»	»	حوادثی اتفاقات:
۹۸	»	»	»	وزیران محبوس ومقتول:
۱۲۳	»	»	»	دانستنیها:
۲۰۴	»	»	»	داستانها:
۲۹۱	»	»	»	خاطرات:
۳۱۳	»	»	»	گوناگون:
۳۱۶	»	»	»	مسابقه هوش:
۳۵۷	»	»	»	بیوگرافی هنرمندان:
۳۷۳	»	»	»	مطبوعات ایران:
۴۰۱	»	»	»	شعر و زندگی:
۴۱۱	»	»	»	خادمین مطبوعات:

ایران در سالیکه گذشت

داستان سقوط حکومت شریف امامی و زمامداری
دکتر امینی - کارهای برجسته حکومت دکتر -
امینی - بازداشت‌های سیاسی و اصلاحات ارضی
مسافرت‌های شاهنشاه و نخست‌وزیر و تعطیل
دانشگاه .

سال ۱۳۴۰ بدنبال سال پر حادثه
۱۳۳۹ و دو انتخابات پرسرو صدا
با آرامش نسبی آغاز شد . مجلس
بیستم با تمام سرو صدائی که در
اطراف انتخابات آن بر پا شد تشکیل
شد و دولت مهندس شریف امامی
دولت ثابت و محکمی بنظر میرسد .

این دولت نه تنها از پشتیبانی
شاهنشاه و مجلسین برخوردار بود
بلکه در سیاست خارجی نیز قدمهایی
برداشته و مقدمات حل اختلافات
چندین ساله ایران و شوروی را فراهم
ساخته بود .

در تاریخ بیست ساله پس از
شهریور ۱۳۲۰ ایران سال ۱۳۴۰
رامیتوان یکی از سالهای فراموش
نشدنی و پر حادثه ایران بشمار
آورد .



حکومت شریف امامی
چگونه سقوط کرد ؟

دولت مهندس شریف امامی از

مهندس شریف امامی

«اخبار داخلی»

را فراهم آورد درصدد تجدیدنظر کلی در سیاست خارجی ایران ، افتاد و با تمایل دولت ایران ، دولت شوروی نخست‌وزیر ایران را برای يك مسافرت رسمی به آن کشور دعوت کرد .

این مسافرت که قرار بود در اسفندماه سال ۱۳۳۹ انجام شود به فروردینماه سال ۱۳۴۰ موکول شد و بعد تا خردادماه به تاخیر افتاد ، ولی جریانات پشت‌پرده‌ایکه موجب تاخیر مسافرت شریف امامی بمسکو شده بود مقدمات سقوط او را نیز فراهم ساخت و حکومت



دکتر امینی

«اخبار داخلی»

بدو تشکیل برای پایان بخشیدن به بحران روابط ایران و شوروی و برقراری روابط عادی میان دو کشور شروع به فعالیت کرد و



خانعلی

نخستین موفقیتی که در این راه نصیب دولت شریف‌امامی شد قطع جنگ رادیوئی بین ایران و شوروی بود .

اما قطع جنگ رادیوئی کافی نبود ، دولت شریف‌امامی برای اینکه زمینه رفع اختلافات کامل ایران و شوروی و استفاده از کمک‌های مادی و معنوی شوروی

شریف امامی در نیمه اردیبهشت سال ۱۳۴۰ بدنبال اعتصاب معلمان و قتل یکی از آنها بنام خانعلی در میدان بهارستان سقوط کرد.

زمامداری دکتر امینی و انحلال مجلسین

پس از استعفای شریف امامی با توجه بجزئیات حادی که موجب برکناری حکومت وی شده بود قرعه‌فال نخست وزیری بنام دکتر امینی اصابت کرد. دکتر امینی از سال‌های پیش پنهان و آشکار برای رسیدن به مقام نخست وزیری فعالیت می‌کرد و مورد حمایت علنی سیاسی بود که در سقوط حکومت مهندس شریف امامی نقش موثری بازی کرد.

دکتر امینی در محیط متشنجی که بر اثر اعتصاب معلمان و تظاهرات دامنه‌دار آنها در تهران و شهرستانها بوجود آمده بود زمام امور را بدست گرفت. نخستین و مهمترین اقدام دکتر امینی در هفته اول حکومت انحلال مجلسین بود.

دکتر امینی برای اینکه خود را از شر قوه مقننه نجات دهد نه تنها مجلس بیستم را که طرز انتخابات

آن مورد اعتراض عموم بود بست بلکه مجلس سنا را نیز که طرز انتخابات آن کمتر مورد بحث و انتقاد قرار گرفته بود تعطیل کرد و پس از پایان مهلت مقرر از قانون اساسی نیز از انجام انتخابات پارلمانی خردداری نمود.

دومین اقدام دکتر امینی در هفته اول حکومت پایان بخشیدن به اعتصاب معلمان با صدور تصویب نامه‌ای در باره ترمیم حقوق آنها بود.



درخشش

بازداشت‌ها و مبارزه با فساد

بازداشت‌شخصیت‌های برجسته
سیاسی و نظامی و چند تن از



سپهبد علوی مقدم

ثروتمندان مشهور بعنوان مبارزه
با فساد یکی از مشخصات برجسته
حکومت ده‌ماهه آقای دکتر امینی
در سال ۱۳۴۰ می‌باشد.

پرسروصداترین بازداشت‌هادر
هفته دوم حکومت دکتر امینی
صورت گرفت و در تابستان گذشته
نیز عده دیگری بر شماره بازداشت
شدگان افزوده شدند.

از بازداشت شدگان سرشناس

حکومت دکتر امینی در ماه‌های اول
زمانداری میتوان سپهبد علوی مقدم
سپهبد کیا، سرلشکر زرغام، ابتهاج
سرتیپ نویسی، سرتیپ آجودانی،
جواد طباطبائی و دریانی را نام برد.
در اوایل بهمن‌ماه گذشته نیز بدنبال
واقعه دانشگاه ده نفر از اشخاص
سرشناس بازداشت شدند که از آن
جمله سیدجعفر بهبهانی، فرود،
رشیدیان، صادق بهداد و عده‌ای از
سران جبهه ملی را میتوان نام برد
از این عده فقط سیدجعفر بهبهانی
پس از یک هفته بازداشت آزاد شد
و باقیمانده تا روزیکه این مطالب
نوشته میشود در زندان بسر می‌برند



سرتیپ نویسی

شده اند و محاکمه بقیه به سال آینده
موکول شده است.

اصلاحات ارضی

مهمترین برنامه اصلاحی دولت
امینی از بدو حکومت اصلاحات
ارضی بود که در ماه اول حکومت
امینی سروصدای زیادی در اطراف



ابتهاج

از بازداشت شدگان تنها سرتیپ نویسی
و متهمین پرونده شیلات محاکمه



ارسنجانی

آن براه افتاد ولی تا اوائل دیماه
گذشته این سروصداها فرونشسته بود
که ناگهان برنامه اصلاحات ارضی
بار دیگر در رأس کارهای دولت قرار
گرفت و مقدمات اجرای نخستین
این برنامه در اسفند ماه فراهم
گردید.



سیدجعفر بهبهانی

« اخبار داخلی »

و پذیرائی باشکوهی از اعلیحضرتین بعمل آمد.

● **مسافرت نخست وزیر به اروپا** - در این سفر که در دو اسفندماه آغاز شد دکتر امینی از آلمان و فرانسه و بلژیک و انگلستان دیدن کرد و مقدمات دریافت دو بیست میلیون مارک اعتبار از آلمان و همکاری ایران و بازار مشترک اروپا را فراهم ساخت.

● **تعطیل دانشگاه** - بدنبال حوادث تاسف آورده و زاول بهمن ۱۳۴۰ در دانشگاه که به زخمی شدن عده ای از دانشجویان و خسارات مالی به دانشگاه تهران بمدت نا معلومی تعطیل گردید و افتتاح مجدد دانشگاه به تنظیم آئین نامه جدید انتظامی و منع دانشجویان از فعالیت های سیاسی در دانشگاه موکول شده است.

قانون جدید اصلاحات ارضی که بموجب آن هیچ مالکی حق ندارد بیش از یک دهه شش دانگ داشته باشد و بقیه باید بقیمت عادلانه به اقساط ده ساله به زارعین واگذار شود از املاک مزروعی مراغه آغاز شده و اگر این دولت بر سر کار بماند در سال ۱۳۴۱ مهم ترین کار دولت خواهد بود.

اهم وقایع دیگر سال

وقایع مهم دیگر سال ۱۳۴۰ در ایران برای ثبت در تاریخ بترتیب اهمیت از این قرار است:

● **مسافرت های شاهنشاه**
اعلیحضرت همایونی باتفاق علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی - ایران در سال ۱۳۴۰ بطور رسمی از کشورهای فرانسه و نروژ دیدن کردند و در این مسافرت ها استقبال

سالنامه امید ایران

مدیر: مهدی فشنگچی

سال دوم

تهران - خیابان نادری - پاساژ نادری تلفن ۳۴۴۲۳
همه ساله در اسفندماه منتشر می شود و در تمام شهرستانهای ایران و کشورهای اروپا و آسیا نماینده می پذیرد.

آنروز مرحوم ملك الشعراء فریاد کشید :

« در اینجا استبداد از آزادی انتقام میگیرد »

امروز دکتر ارسنجانی سعی میکند نشان بدهد که :

آزادی هم از ارتجاع انتقام خواهد گرفت

بعد از شهریورماه ۱۳۲۰ که شکل زندگی در ایران عوض شد اشخاصی که در امور سیاسی تلاش و کوشش داشتند سعی میکردند بوسیله‌ای روش سیاسی و طرز تفکر خودشان را نمایان سازند ، تا مردم فکر آنها را تشخیص بدهند و بدانند که در کدام راه سیاسی قدم بر میدارند ، بهمین جهت احزاب مختلفی بوجود آمد و افراد مختلفی هم بمیدان کسب شهرت قدم نهادند « حزب میهن پرستان » « جوانمردان » « پاکدلان » « نبرد » تأسیس شدند در کنار این احزاب طبقه جوان در حال تفکر قدم میزدند و بآینده خودشان اندیشه میکردند بعضی‌ها از قبیل جهانگیر-تفضلی و دوستانش فوراً راه خودشان را شناختند و با سپر حزب و روزنامه بدربار راه یافتند و در ردیف فدائیان شاهنشاه در آمدند برخی ضمن گذشتن از مسیر احزاب جدید التولد بسوی حزب توده در وان شدند و در جهت مخالف خواست آن حزب بمبارزه برخاستند این دو دسته که بدنبال آزادی و آبادی در دو سنگر فکری متضاد امکان گرفتند همیشه بسروصدای یکنفر که آنهم جوان و نویسنده بود اهمیت قائل میشدند و با دقت نوشته‌هایش را میخواندند، آن یکنفر که در نزد توده‌ایها و شاه پرستان اهمیت داشت دکتر داریا بود که سلسله مقالات « نفت » را در روزنامه نبرد مینوشت و بعد از مدتی امتیاز روزنامه داریا را گرفت و در صف روزنامه نگاران در آمد.

دکتر داریا در حقیقت بنیان‌گزار مبارزات نفتی ایران بود سیاستمداران و قشر جوان آن روز خیلی زود تحت تأثیر نوشته‌های او در آمدند و در مدت کمی روزنامه داریا ومدير آن «حسن ارسنجانی» که نام مستعارش «دکتر داریا» بود شهرت همه جانبه پیدا کرد تا انتخابات



مجلس شورای ملی پیش آمد و ارسنجانی از لاهیجان که ملک مرحوم
قوام السلطنه بود بوکالت انتخاب شد ، انتخاب ارسنجانی به نمایندگی
مجلس شورای ملی در محافل تهران مثل توپ صدا کرد . نوشته‌های
ارسنجانی همیشه علیه ارتجاع و فئودالیزم بود سخنرانیهایش نشان میداد
که مردیست متجدد و آزادیخواه اساسا حسن ارسنجانی تعارف و تکلف
بلد نیست و بمحض حضور در جلسه جدی بکار می پردازد خلاصه مشخصات
فکری و اخلاقی وزیر کشاورزی امروز که آن زمان یعنی «دوره ۱۴مجلس
شورای ملی» از لاهیجان انتخاب شده بود اکثریت رجال و امراء ارتش
را که همه فئودال بودند ناراحت کرد مثل امروز که عموم مالکین و
امیران از صدای سخنرانی حسن ارسنجانی بر خود میلرزند و از وجودش
متنفرد بالاخره سرمایه دارها دور هم جمع شدند و باین فکر افتادند که بهر شکلی
متنفردان را بکلی بقول خودشان «لات و خطرناک» را از سر مجلس
فئودالها کم کنند . برای انجام این منظور هیچ راهی جز کسب موافقت
رزم آرا که آن زمان تنها مرد مقتدر ایران بود وجود نداشت این بود که
سپهد حاجیعلی رزم آرا رئیس ستاد وقت که خود انتخاب کننده اکثریت
نمایندگان مجلس بود و بروحیه همه رجال آشنائی داشت تصمیم گرفت
اعتبارنامه حسن ارسنجانی را در مجلس رد کند تا فئودالهایی که طبق
دستور رزم آرا نماینده ملت شناخته شده بودند با خیال راحت روی صندلی
های مجلس شورای ملی بنشینند و آن قوانینی را که منافع هزارفامیل
را تأمین می کند با موافقت کامل تصویب نمایند که به پیروی از این تصمیم ناصر-
ذوالفقاری مأمور مخالفت با اعتبارنامه ارسنجانی شد و سایر و کلا آراء کبود
را بدست گرفتند در مقابل چنین دسته بندی خطرناکی ارسنجانی متکی
با فکر عمومی ، شخص قوام السلطنه ، ملک الشعراء بهار ، جراید و مجلات آن
روز بود و شاید خیال میکرد قدرت جراید و افکار عمومی بر پول و
نفوذ مالکن میچربد و امتیازنامه اش تصویب میگردد بهمین جهت وقتی
پشت تریبون مجلس برای دفاع از خود حاضر میشد دوره های مختلف روزنامه دارا
را همراه می آورد و با منطق و دلیل بطرز تفکر و اشتباهات فئودالها حمله
میکرد و برای آنها بیان مینمود که دوره خان خانی گذشته و استبداد
محکوم بقضاست در برابر مخالفت مالکن مرحوم ملک الشعراء بهار ضمن
دفاع از ارسنجانی بپا خواست و با اشاره بوکلای مجلس فریاد کشید:

«اینجا استبداد میخواید از آزادی انتقام بگیرد» اتفاقاً همینطور هم شد با آنکه نصف و کلاً از دوستان قوام السلطنه بودند و همه صمیمیت و دوستی با او داشتند و وقتی موقع اخذ رأی رسید، و آرا را بگلدان ریختند حسن ارسنجانی با ۵۱ رأی مخالف و ۴۹ رأی موافق اعتبارنامه اش رد شد و رئیس مجلس در حالی که بزنگه روی میزش فشار میداد که سروصدای مجلس را آرام کند با تبسمی که علامت رضایت بود گفت بنا بر این اعتبارنامه آقای ارسنجانی پذیرفته نشد!

این عمل مجلس برای مالکان و فئودالها و آنان که با سازش پنهانی علیه یکفرد در روشنفکر قیام کرده بودند موقیبتی بود اما آنها خبر نداشتند که آن کار بیشتر از یک پیروزی موقتی ارزش نداشت چون حسن ارسنجانی همان روز از سرسرای مجلس خارج شد جاودر بزرگ مجلس هنگامیکه یکی از اهالی شهرستانها اعلامیه ای بدستش داد آنرا گرفت و دید که در بالای اعلامیه نوشته است:

«مالکین خون ما را بشیشه کرده اند» زیر لب کلمه مالکین را تکرار کرد و بیکی از دوستانش که همراه او بود گفت باید مجلس مالکین را رها کرد و بدنبال دهقانان رفت آن روز گذشت و امروز میبینیم که حسن ارسنجانی واقعا بدنبال دهقانان رفته کار را خیلی جدی گرفته و مسلمانا پیروزی نهائی او بسود ملت و مملکت و نسل آینده است. و شاید در مجلس آینده بگویند «آزادی از ارتجاع انتقام گرفت» ع . ص

از خانقزنبور حوادث نخوری شهد
تا درگ جانت نرو و نیشتری چند

● ●
ما را رساند بی سروپائی بکوی دوست
پروانه را بشمع اگر بال و پر رساند

● ●
ای ابر بی جگر که ز دریاست دخل تو
پر مزرع امید بباری چه میشود

صائب

درباره حوادث جهانی :

در این فصل خوانندگان
عزیز با وقایعی که طی
دوازده ماه سال ۱۳۴۰
در جهان گذشته آشنا
میشوند .

در این فصل حوادث
« فاجعه کوبا » « تسخیر فضا »
« کنفرانس وین » « تحول
در سازمان ملل » « تحول
خاورمیانه » « کنگره مسکو »
را تجزیه و تحلیل کرده و
شمارا با این وقایع آشنا
میسازیم .

هم شد
یت و
ختند
رد شد
جلس
رنامه

زش
خبر
-ن-
لس
فت

را
بن
سه
ما
در

دنیادرسال ۱۳۴۰

دوازده واقعه مهم

در دوازده ماه گذشته

و دور نمای اوضاع جهان در آغاز سال نو

سال نو بهارجان پروری که در پیش است امید به حفظ صالح و رفع بحران بین المللی افزایش یافته است .

فاجعه کوبا - شکست بزرگ کندی

در تقویم حوادث مهم جهان در سال ۱۳۴۰ قبل از همه به فاجعه کوبا برخورد میکنیم . تجاوز مسلحانه به کوبا در فروردین ماه گذشته هم از نظر نفس عمل و هم بلحاظ نتایجی که برای آمریکا ببار آورد یک فاجعه بزرگ سیاسی بود این واقعه کندی رئیس جمهوری آمریکا را

سال ۱۳۴۰ یکی از سالهای پر حادثه بعد از جنگ دوم جهانی بشمار میرود .

حوادثی که در عرض یکسال گذشته روی داد یکبار دیگر دنیا را تالپرتگاه جنگ بردولی مقتضیات بین المللی و وحشت دول بزرگ از اقدام به یک جنگ بزرگ اتمی این خطر را از بالای سر جهانیان دور ساخت .

سال ۱۳۴۰ با حوادث خطرناک و شدید اختلافات بین المللی آغاز شد ، ولی تشنجاتی که بر اثر این حوادث بوجود آمده بود در نیمه دوم سال فرونشست و اکنون در آستانه



بانخستین و بزرگترین شکست خود
 رو بر وساخت و به موفقیت بین المللی
 وی لطمه شدیدی وارد آورد .
 مقدمات حمله به کوبا در زمان
 ریاست جمهوری آیزنهاور رئیس-
 جمهوری سابق آمریکا فراهم شده
 بود ، و مهاجرین مسلح کوبائی که
 در فروردین ماه سال گذشته با کشتی ها
 و سلاحهای آمریکائی به کوبا
 حمله ور شدند قرار بود در مهر ماه
 سال ۱۳۳۹ یا پیش از آن کوبا را
 مورد تجاوز قرار دهند ، ولی
 آیزنهاور که در آخرین سال حکومت
 خود بقدر کافی با شکست و ناکامی
 مواجه شده بود زیر بار نقشه تجاوز

به کوبا نرفت و به قطع روابط
 سیاسی با کوبا در اواخر سال ۱۹۶۰
 اکتفا نمود .

پس از آنکه کندی در اول
 بهمن ماه سال ۱۳۳۹ بر سر کار آمد
 بار دیگر مسئله حمله به کوبا عنوان
 شد و آلن دالس رئیس سابق سازمان
 اطلاعات آمریکا که طراح اصلی
 نقشه حمله به کوبا بود ایندفعه برای
 جلب موافقت کندی با اجرای
 این نقشه به وسوسه پرداخت و سر
 'نجام کندی جوان را که تازه به
 کاخ سفید قدم نهاده بود با اجرای
 این طرح خطرناک موافق ساخت .



« اخبار خارجی »

سوم و چهارم حمله به کوبا باشکست
روبرو شدند،

خوابهائی که آلن دالس در
باره آشفتگی و انقلاب در داخل
کوبا دیده بود هیچکدام تعبیر نشد
و پیش بینی‌های او درباره تجزیه
و دو دستی در ارتش و نیروهای
چریک کوبا هم بحقیقت نپیوست
ارتش و مردم کوبا در برابر تهاجم
خارجی وحدت و یگانگی خود
را حفظ کردند و متجاوزین که در
داخل کوبا بدام افتاده بودند در
پنجمین روز این فاجعه بکلی تارو
مار شدند.

شکست تجاوز به کوبا برای
کندی رئیس جمهوری جدید آمریکا
شکست بزرگ و جبران ناپذیری
بود.

پس از این فاجعه نه تنها کوبا
در یکسال اخیر آخرین رشته‌های
ارتباط خود را با آمریکا گسیخت
و بطور آشکار به بلوک کشورهای
کمونیست پیوست، بلکه در کشور
های دیگر آمریکای لاتین نیز جنبشی
برضد آمریکا بوجود آمد و کوشش
واشنگتن برای تشکیل یک جبهه
واحد از کلیه کشورهای آمریکائی
برضد کوبا و محاصره سیاسی و
اقتصادی کوبا به نتیجه‌ای نرسید.

«اخبار خارجی»

آلن دالس که قبلا نقشه‌های
دیگری را در کشورهای آمریکای
لاتین و خاورمیانه با موفقیت اجرا
کرده بود این دفعه هم امیدوار بود
که در اجرای نقشه خود پیروز
خواهد شد. و کندی نیز که به گفته
های آلن دالس باور کرده و تصور
مینمود بمحض ورود چند هزار نفر
مهاجرین مسلح کوبائی به خاک کوبا
اساس حکومت فیدل کاسترو در هم
خواهد ریخت بامید اینکه با دست
زدن به چنین اقدامی برای همیشه
از سر حکومت کاسترو راحت شود
با آغاز حمله به کوبا موافقت
کرد.

مهاجمین که بطور علنی از طرف
آمریکا حمایت می‌شدند در دو روز
اول عملیات خود موفقیت‌هایی بدست
آوردند و کندی رئیس جمهوری
آمریکاییز بامید اینکه این عملیات
با موفقیت پایان برسد به پیام
اعتراض شدید اللحن خروشچف
نخست وزیر شوروی درباره حمله
به کوبا پاسخ محکمی داد و علنا
از مهاجمین دفاع کرد ولی افکار
عمومی مردم جهان با این اقدام
همراه نبود و مهاجمین مسلح نیز
که بر خلاف پیش بینی‌های آلن -
دالس از پشتیبانی مردم کوبا
برخوردار نشده بودند در روزهای

سال پیروزی های بزرگ در راه تسخیر فضا

سال ۱۳۴۰، پیروزی بزرگ و تازه‌ای در تلاش بشر برای تسخیر فضا آغاز شد. از فروردین ماه گذشته نخستین انسان فضا نورد جهان بنام یوری گاگارین پس



از یکبار گردش پدور کره زمین سلامت بزمین باز گشت و راه سفر انسانهای دیگری را بفضای لایتنای گشود. بدنبال او یک خلبان دیگر روسی بنام «گرمان تیئوف» سفر فضائی مهمتر و کاملتری را انجام داد و پس از یک

«اخبار خارجی»

شبهانه روز گردش در مدار زمین (که طی آن هفده بار گرد زمین را دور زد) بزمین بازگشت

همزمان با پیروزی‌های بزرگ شورویها دانشمندان آمریکائی نیز برای فرستادن انسان بفضا دست با اقدامات وسیع و دامنه‌داری زدند نخستین فضا نورد آمریکائی آلن شپارد نام داشت که با یک موشک «روستون» بطور مستقیم بفضا پرتاب شد و با استفاده از نیروی جاذبه زمین و چتر نجات بزمین بازگشت. اولین فضا نورد آمریکائی هم «گریسان» نام داشت که با همین تکنیک بفضا پرتاب شد ولی آزمایش پرتاب وی





بفضا مانند شیارد موفقیت آمیز
نیود

تا اینکه روز ۳شنبه دوم اسفند
آمریکائیهها سرهنگ دوم گلن را
بفضا فرستادند و با سه بار گردش
بدور زمین در ۴ ساعت موفقیت بزرگی
کسب کردند.

کنفرانس وین و مسئله برلن

کندی رئیس جمهوری آمریکا
و خروشچف نخست وزیر شوروی
برای نخستین بار در بهار گذشته
در شهر وین با یکدیگر ملاقات
کردند. مسئله برلن و آینده آلمان
مهمترین موضوعی بود که در این

ملاقات بین رهبران دو کشور
مورد مذاکره قرار گرفت.

کندی پیش از ملاقات با
خرشچف در پاریس با دوگل ملاقات
کرد و پس از آن در راه بازگشت
با آمریکا در لندن از مک میلان
نخست وزیر انگلستان دیدن کرد.
در این ملاقاتها نیز مسئله برلن
مهمترین موضوع مذاکرات رهبران
اول بزرگ غرب بود.

خروشچف پس از بازگشت
بمسکو از موضوع مذاکرات خود
با کندی و تذکریهای که در وین
به رئیس جمهور آمریکا داده بود
پرده برداشت و گفت که چنانچه



تا پایان سال ۱۹۶۱ مسئله برلن و موضوع امضای قرارداد اصلی با آلمان حل نشود دولت شوروی قرار داد اصلی مبنی بر مواد جداگانه‌ای با آلمان شرقی امضاء خواهد کرد. نخست‌وزیر شوروی در تفسیر او ل تیماتومی خود گفت که با امضای قرارداد اصلی جداگانه میان شوروی و آلمان شرقی حکومت آلمان شرقی بیک دولت مستقل و دارای حاکمیت کامل مبدل خواهد شد و دیگر اجازه تجاوز به مرزهای زمینی و هوایی خود را نخواهد داد. بعبارت دیگر در صورت امضای قرارداد اصلی جداگانه‌ای بین شوروی و حکومت آلمان شرقی، دولت آلمان شرقی میتواند راه‌های ارتباط زمینی و هوایی برلن را با آلمان غربی که از خاک آلمان شرقی میگذرد ببندد و عبور و مرور در این راه‌ها را تابع شرایط و مقررات خاصی مینماید و قبول چنین مقرراتی از طرف دول غرب دلیل شناسائی حکومت آلمان شرقی از طرف آنها بشمار میرفت.

آمریکا و انگلیس تا حدی در برابر تهدیدات خروشچف عقب‌نشینی اختیار کرده و در ششماهه آخر سال ۱۹۶۱ برای یافتن راه‌حلی

در مسئله برلن و آینده آلمان کوشش می‌کردند. ولی دوگل رئیس جمهوری فرانسه در این مسئله سرسختی عجیبی در برابر کندی و مک‌میلان بخرج داد و با هرگونه عقب‌نشینی در برابر خروشچف، حتی آغاز مذاکرات با شوروی در شرایط کنونی مخالفت نمود.

کندی و مک‌میلان می‌توانستند خروشچف با اجرای اولتیماتوم خود پیش از پایان سال ۱۹۶۱ بر مشکلات وضع کنونی آلمان بیافزاید و دول غرب را در بن‌بست قرار دهد، ولی دوگل عقیده داشت که خروشچف در برابر سرسختی و پایداری غرب عقب خواهد نشست و دست به هیچ اقدام خطرناکی در برلن نخواهد زد.

بر اثر پایداری و سرسختی دوگل سر انجام مذاکره‌ای بین شرق و غرب برای حل مسئله برلن صورت نگرفت و سال ۱۹۶۱ هم همانطوریکه دوگل پیش‌بینی کرده بود بدون اقدام خطرناکی از طرف خروشچف پایان رسید.

نخست‌وزیر شوروی به اولتیماتوم خود درباره امضای قرارداد صلح با آلمان شرقی عمل نکرد ولی در جریان این کشمکش‌ها دولت آلمان شرقی با کشیدن دیواری

تجدول در سازمان ملل متحد

مرگ هامرشولد در کنگو و تعیین دبیر کل سازمان ملل متحد نیز از جمله حوادث بسیار مهم سال ۱۳۴۰ بشمار می‌رود.

هامرشولد دبیر کل سازمان ملل متحد که بر اثر انحراف از اصول بی-طرفی در کنگو از سال گذشته مورد اعتراض و انتقاد شدید کشورهای بلوک کمونیست و بی‌طرف قرار گرفته بود سرانجام جان خود را بر سر مسئله کنگو گذاشت و در یک سانحه هوایی در کنگو درگذشت. هامرشولد برای رفع بحرانی که بر اثر تصادم نیروهای سازمان ملل متحد



میان دو منطقه برلن یکی از هدف‌های خود جامه عمل پوشانید و آرزوی ارتباط میان برلن شرقی و غربی را محدود ساخت.

با دیواری که میان دو برلن کشیده شد سیل فراریان از آلمان شرقی به آلمان غربی متوقف گردیده و آزادی و فعالیت عوامل دول غرب در برلن شرقی از میان رفته است ولی این دیوار مسئله برلن را حل نمی‌کند و برلن در سال ۱۳۴۱ هم یکی از مهمترین مراکز تشنجات و اختلافات بین‌المللی خواهد

بود.



«اخبار خارجی»

و سر بازان کاتانگا روی داد و به قتل عام عده‌ای از سر بازان ملل- متحد منجر شده بود بدیدار جومبه میرفت .

ولی هواپیمای وی بر اثر سانحه‌ای که عمدی بنظر میرسید سقوط کرد و هاورشولد در میان سایر سر نشینان این هواپیما درگذشت؛ بامرگ هاورشولد مسئله تعیین دبیر کل جدید سازمان ملل متحد بصورت مهمترین مشکل روز در آمد زیرا دولت شوروی اصرار داشت بجای هاورشولد بیک هیئت سه نفری از نمایندگان کشورهای گروه کمونیست و غربی و بیطرف وظایف دبیر کل سازمان ملل را بعهده بگیرد ولی دولت غرب زیر بار این پیشنهاد نمیرفتند و اصرار داشتند که یکنفر برای انجام وظایف دبیر کل سازمان ملل متحد تعیین گردد؛

سرانجام اینطور توافق شد که آقای «اوتانت» نماینده کشور بی طرف برمه و معاون دبیر کل فقید سازمان ملل متحد برای مدت دو سال بجانشینی هاورشولد انتخاب شود و در این مدت اساسنامه جدیدی برای اداره امور سازمان ملل متحد تدوین و به مجمع عمومی سازمان پیشنهاد شود؛ تحولی که در سازمان ملل

متحد روی داده بطور کلی غرب را راضی نکرده است زیرا با انتخاب اوتانت بسمت دبیر کل سازمان ملل متحد این تشکیلات بزرگ بین المللی بیک قدم دیگر از غرب دور شده و بسمت چپ گرائیده است و اقدامات اوتانت از بدو تصدی مقام دبیر کلی سازمان ملل متحد نیز برای غربیها چندان خوشایند نبوده است.

سال تحول در خاور میانه

حوادث خاور میانه نیز در میان وقایع مهم سال ۱۳۴۰ جای نمایانی را اشغال میکند. در عرض یکسال اخیر تحولات مهمی در این منطقه روی داده که از آنجمله جدائی سوریه از مصر، حوادث ترکیه ادعای عراق درباره مالکیت کویت و بالاخره تحولات ایران و قطع روابط افغانستان و پاکستان را باید نام برد؛

انقلاب سوریه و جدائی این کشور از مصر را میتوان مهمترین واقعه سیاسی سال گذشته در خاور میانه خواند، انقلاب سوریه و متلاشی شدن جمهوری متحد عرب بزرگترین شکستی بود که بر حکومت جمال عبدالناصر و «ناصریسم» در جهان عرب وارد آمد و آرزوهای او را برای تشکیل یک حکومت مقتدر و

نیرومند عرب برپاداد.

تردیدى نیست که انقلاب سوریه بدون دستیارى و همکارى سیاستهاى خارجى پیروز نشده ولى عامل اصلى تکوین این نهضت و پیروزی آن همان سیاست غلط ناصروبی اعتنائى او به اصول آزادى و دموکراسى بود .

پس از انقلاب سوریه حوادث ترکیه بیش از وقایع مهم دیگر خاورمیانه و افکار عمومى مردم جهان را تکان داد در این کشور پس از اجرای حکم اعدام مندرس نخست وزیر سابق ترکیه و دو تن از وزیران ارشد کابینه او انتخابات عمومى



صورت گرفت و در این انتخابات حزبى که بطرفدارى از مندرس شهرت یافته بود پیروزی غیرمنتظره اى بدست آورد . با وجود این تسلط و کنترل ارتش از بازگشت قدرت بدست طرفداران رژیم سابق جلو گیرى کرد و يك حکومت ائتلافى که بیشتر تحت نفوذ ارتش است زمام امور را بدست گرفت ، این حکومت که عصمت اینونو سیاستمدار سالخورده ترك در رأس آن قرار دارد قدرت زیادى ندارد و با اختلاف شدیدی که در پس پرده میان اعضاى این حکومت وجود دارد وضع ترکیه را نمیتوان تثبیت شده دانست . در یکسال اخیر در کشور عراق



ایران که برای ما جنبه داخلی دارد آخرین واقعه مهم خاور میانه در سال گذشته قطع روابط سیاسی پاکستان و افغانستان و دخالت شرق و غرب در اختلافات ایندو کشور است . تاکنون دولت شوروی از این بحران بهره برداری کرده ولی دولت های باختری هم بیکار ننشسته اند و مخصوصا آمریکا آنها میکوشند با تحبیب افغانها راه توسعه نفوذ شوروی را در این کشور سد کنند .



کنگره مسکو و اختلافات چین و شوروی

مهمترین واقعه سال ۱۳۴۰ که در حوادث سالهای آینده نیز



نیز حوادث و تشنجات تازه ای روی داد .

در مناطق کرد نشین عراق شورشی آغاز شد که در آن هزاران نفر کشته شده اند و هنوز هم بطور کامل پایان نیافته است. دولت عراق در حالیکه سرگرم مبارزه با شورشیان شمال بود در سال گذشته ناگهان ادعای حاکمیت بر کشور نفت خیز کویت را کرد و تشنج تازه ای در این منطقه بوجود آورد. ولی کویت با پشتیبانی انگلستان و کشورهای عربی موقعیت خود را در برابر عراق حفظ کرد و دولت عراق هم کم کم از تکرار ادعاهای خود در مورد این کشور دست برداشت .

پس از تحولات سیاسی در

« اخبار خارجی »

اثر خواهد گذاشت تشکیل بیست و دومین کنگره حزب کمونیست شوروی و آشکار شدن اختلافات چین و شوروی پس از تشکیل این کنگره است .

بیست و دومین کنگره حزب کمونیست شوروی کار کنگره بیستم را در تقبیح استالین و طرد اصول فردپرستی تکمیل کرد و کار را بجائی رسانید که جنازه استالین را هم از مقبره لنینی در میدان سرخ مسکو برداشتند و نام او را از روی شهرها و مؤسسات و کارخانجات شوروی حذف کردند .

در کنگره بیست و دوم یاران قدیمی استالین و طرفداران سیاست استالینی نیز که بگروه ضد حزبی معروف شده اند بشدیدترین وجهی طرد و تقبیح شدند و نام مارشال وروشیلف رئیس سابق شورای عالی اتحاد شوروی نیز به جمع مطرودین افزوده شد .

در کنگره بیست و دوم حزب کمونیست شوروی رهبران کشور آلبانی نیز که از همان شیوه های حکومت استالین پیروی میکنند محکوم شدند و با تصمیمات کنگره بر ضد رهبران آلبانی این کشور از گروه کشورهای بلوک کمونیست

خارج شد .

اما مهمترین نتیجه کنگره بیست دوم حزب کمونیست شوروی آشکار شدن اختلافات ایده و لوزیک رهبران شوروی و چین کمونیست بود ، چوئن لای نخست وزیر چین کمونیست با انتقاد از روش خروشچف در یکی از جلسات علنی کنگره بیست دوم حزب کمونیست شوروی این اختلافات را آشکار ساخت و پس از پایان جلسات کنگره بیست و دوم نیز روابط صمیمانه ای که علیرغم تصمیمات این کنگره بین چین کمونیست و آلبانی برقرار شده است وجود اختلاف نظرهای عمیقی را میان مسکو و پکن نشان میدهد .

تردید نیست که این اختلافات از ماجرای آلبانی سرچشمه نگرفته و ریشه های عمیق دارد که بررسی آن از لحاظ آینده دنیای کمونیست شایان اهمیت است . اساس این اختلافات از بدبینی کمونیست های چین باصل همزیستی مسالمت آمیز و امکان سازش بین بلوک کمونیست و دنیای سرمایه داری سرچشمه گرفته است . رهبران چین کمونیست معتقدند که سیاست کنونی خروشچف و بازی با غرب و کوشش

های کمونیست را در جهان بتأخیر خواهد انداخت. آنها عقیده دارند که بلوک کمونیست باید با استفاده از قدرت و امکانات فعلی خود سیاست قاطع تری را در پیش بگیرد و در صورت لزوم از راه توسل بجنگ به عمر کاپیتالیسم در جهان خاتمه دهد.



خروشچف و رهبران چین کمونیست هم از ادامه اختلافات کنونی خود ناراحت و نگرانند و بدون تردید در سال آینده برای رفع این اختلافات خواهند کوشید.

برای کشورهای بیطرف پیروزی

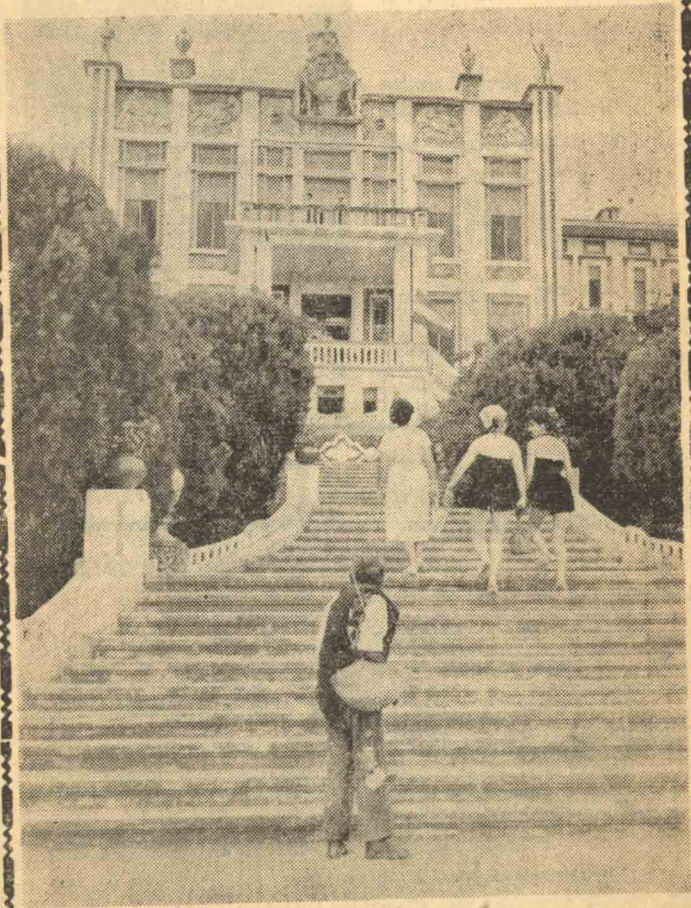
دفتر گیتی

«فرخی یزدی»

سرابا کاخ این زور آوران گرزبوری دارد
 ولی بزم تهی دستان صفای دیگری دارد
 نیارد باد امشب خاک راهش را برای ما
 مگر در ره گذار او کسی چشم تری دارد
 نگار من مسلمانست و در عین مسلمانی
 به محراب دو ابرو چشم مست کافری دارد
 مکن هرگز بدی باناتوانان از توانائی
 که گیتی بهر خوب و زشت مردم دفتری دارد.
 ز عریانی ننالد مرد با تقوی که عریانی
 بود بهتر ز شمشیری که در خود جوهری دارد
 سر قتل محبان داشتی اما ندانستی
 میان عاشقان هم «فرخی» آخر سری دارد

«اخبار خارجی»

زندگی مردم



برهنگان !!

سال ۱۳۴۰ را باید
سال حوادث و تحولات
نامید، زیرا در خلال
روزهای آن وقایع تلخ
و شیرین بسیاری رخ داده
است.

سروریس حوادث
امیدایران که در موقع
خود خوانندگان عزیز را
در مسیر آخرین اخبار
حوادث و تحولات هفتگی
قرار داده است اینبار نیز
عصاره‌ای از مجموع وقایع
مهم سال گذشته را تهیه کرده
است که از نظر خوانندگان
ارجمند سائنامه می -
گذرد.

سیاوش آذری



آقای سیاوش آذری، نویسنده حوادث

حوادث و اتفاقات

چند پرونده مهم و پرسر و صدادر دادگستری



از قتل فلور - دکتر صفدری تا محاکمه متهمین شرکت شیلات



میرفت از دادرسی آن خبری نبود
محاکمه متهمین شرکت شیلات
باسامی سرتیپ نویسی - خانم احسان
نیکخواه دولو - عظیما - سیساک -
نازاریان - منتصر - جلالی باتهام
سوء استفاده تحت تعقب قرار گرفته
بودند پس از پنجاه و چهار جلسه
رسیدگی در دادگاه دیوان کیفر
پایان یافت و دادگاه کلیه متهمین
را بغیر از سیساک نازاریان بحبس
های معین محکوم کرد .

از پرونده های پرسروصدائی
که در سال گذشته در دادگستری
مورد رسیدگی قرار گرفت پرونده
قتل پرسروصدای فلور، دکتر صفدری
و محاکمه متهمین شرکت شیلات و
تعقیب چندین نفر از وزرا و
شخصیت های بزرگ و با نفوذ مملکت
بود .

در پرونده قتل فلور با اینکه از
سعدالله امیر سیفی نوکر ۱۷ ساله
او بعنوان متهم بقتل نام برده شد
و در شعبه ۹ دادگاه جنحه مورد
رسیدگی قرار گرفت لکن بلحاظ
گفته های ضد و نقیضی که در
اظهارات او شنیده میشد با این وجود
در جلسه داوری متوقف ماند و برای
دومین بار ببازرسی برگشت وهم
چنان راکد ماند .

پرونده قتل دکتر صفدری ،
با دستگیری نصرت علی صددری
دانشجوی مردود دانشکده حقوق
که پلیس او را بنام متهم بقتل تحت
تعقیب قرار داده بود همچنان در
بازرسی معوق مانده و تا آخرین
روزهائیکه سالنامه ما زیر چاپ

قتل دو پزشك در آبادان

دکتر شاپور زند و دکتر باغشاهی قربانی این حادثه بودند

موضوع بین او و دکتر باغشاهی گفتگو و کشمکش در گرفت و دکتر باغشاهی با چکش بمغز دکترزند کوبید و او را بقتل رسانید ، بانو عشرت که از ناراحتی دستپاچه شده بود لنگه کفش خود را بجای گذاشت و بمنزل گریخت و دکتر باغشاهی که وضع را چنین دید از بیم آبرو ریزی رك دست خود را برید و به زندگی خویش خاتمه داد بانو عشرت که از طرف پلیس



دکترزند

وقوع قتل فجیع دو پزشك شرکت ملی نفت در آبادان بیشتر اخبار مهم داخلی را تحت الشعاع قرار داد و مدت‌ها مورد بحث مطبوعات عصر تهران قرار گرفت

بطوریکه در همان وقت انتشار یافت علت واقعه بر سر ارتباط نا مشروعی بود که بین بانو عشرت همسر دکتر شاپور زند با دکتر محمد باغشاهی برقرار شده بود و سرانجام این ارتباط منجر بقتل دکتر زند و دکتر باغشاهی گردید باین معنی که دکتر زند که از موضوع مطلع شده بود طی ملاقاتی باحضور همسرش بانو عشرت رسماً بدکتر باغشاهی اعتراض کرد و بر سر همین



بانو عشرت زند

« حوادث »

ری
س
ری نمود
شیلان
احسان
یساک
باتهام
ر گرفته
جلسه
کیفر
متهمین
بحبس

جنایت هوو!

برای اولین بار برای زنی تقاضای اعدام شد ولی دادگاه متهمه را بحبس طویل المده محکوم کرد

ستمکاریها و مظالم هووها تا کنون چه بسا حوادث ناگواری در محیط خانوادگی مردهای دو زنه بوجود آورده است که واقعه زیر که در سال گذشته اتفاق افتاده است از همه دلخراش تر و اسفانگیزتر است.

در اواخر مرداد ماه سال گذشته پسر بچه چهار ساله‌ای بنام احمد فارسی فرزند باقر فارسی کارمند



احمد

مسبب واقعه تشخیص داده شده بود باز داشت شد و یکبار بقصد خود کشی چند قرص لومینال خورد



دکتر باغشاهی

ولی اطباء او را از مرگ نجات دادند و بالاخره چون شاکی خصوصی یعنی دکتر زند از بین رفته بود پرونده مختومه شد و بانو عشرت در تاریخ دوازدهم مهرماه از زندان آزاد گردید و زندگی خود را به تنهایی دنبال کرد.

تا آنجا که توانائی داشتند بتمام
نقاطی که میشد سرکشی کردند .
عکس گمشده دلبنده خود را با پیامی
مؤثر در روی اعلامیه هائی چاپ
کردند و بتمام دیوارهای کوچه و
معابر چسباندند و حتی برای یابنده
مژدگانی قابل توجهی تعیین کردند
ولی سر انجام پس از گذشت سه
ماه بانو ثریا همسر دوم پدر طفل



ثریا

اعتراف کرد که کودک هووی
خود را شخصا به بیابانهای شترخان
واقع در اطراف شهری برده و
بدرون چاهی انداخته و کشته است
و علت اقدام خود را توجه شدید شوهرش
به کودک مزبور و بی توجهی نسبت
باو ذکر کرد و اضافه نمود که چون
شوهرم به بچه همسر دیگرش بیش



مادر احمد

بنگاه راه آهن ناحیه تهران بطور
مرموزی ناپدید شد . پدر و مادر او



پدر احمد

« حوادث »

د
و
ها تا
ری در
و زنه
ه زیر
است
یکیز تر

ه سال
ی بنام
کارمند

ولی دادگاه نظر باینکه در قانون
کیفری ایران مجازات اعدام برای
زن وجود ندارد بیا یک درجه تخفیف
بانو ثریا را بحبس طویل‌المدت
محکوم کرد.

از من توجه داشت او را کشته تاسد
راه بین من و شوهرم از میان برداشته
شود.

دادستان برای اولین بار در
تاریخ قضائی ایران برای بانو -
ثریا تقاضای مجازات اعدام کرد

زنك خطر در محیط فرهنگشور

دستگیری باندمحصلینی که اتومبیل میزد دیدند

مرتکب سرقت اتومبیل‌های سواری
میگردیدند و بیش از ۵۰ دستگاه
اتومبیل لوکس را سرقت کردند
زنك خطر در محیط فرهنگ بصدا
در آمد و یکبار دیگر به مسئولین
فرهنگشور و اولیاء اطفال اعلام
خطر شد که بیش از پیش متوجه رفتار
و وضع تحصیل فرزندان خود باشند
تا این طبقه جوان که بایستی در آتیه
از مرزوبوم دوهزار و پانصد ساله
حراست و حفاظت کنند اینچنین
مورد ملعبه اغراض عده‌ای دزد و سوء
استفاده‌جو واقع نشوند.



با دستگیری یازده نفر از
محصلین مدارس مختلف تهران که
بجای رفتن با آموزشگاه‌های خود
غافل از چشم پدران و مادران‌شان
تحت‌رهبری باند مجهزی از سارقین

جالب ترین سرقت سال

دندانهای مصنوعی مرد رشتی را از توی دهانش دزدیدند!

علی اصغر آذری اهل گیلان که بتازگی وارد پایتخت شده بود و جایی را نمیدانست یکروز در میدان مولوی سوار اتوبوس دو طبقه شد و بطبقه بالا رفت و در حینی که مشغول تماشای دیدنیهای شهر تهران بود کم کم خوابش برد.

دزد رندی که در کنارش نشسته و ظاهرا چیزی بچنگش نرسیده بود از خواب گیله مرد استفاده کرد و با تردستی دندانهای مصنوعی او را از دهانش در آورد و در ایستگاه بعدی پیاده شد.

اتوبوس به آخر خط رسید و مرد رشتی با صدای شاگرد اتوبوس که بمسافران میگفت «آخرش است» ز خواب پرید و با کمال تعجب متوجه شد که دندانهای مصنوعی اش در دهانش نیست، در حالیکه کم مانده بود از فرط تعجب شاخ در بیاورد راه کلانتری را در پیش گرفت ولی از شکایت خود هم نتیجه ای نگرفت و دزد رند دندانهای او را برای همیشه با خود برد!



جالب ترین و در عین حال خنده آورترین سرقتی که در سال گذشته در تهران اتفاق افتاد سرقت دندان های مصنوعی یک مرد رشتی از توی دهانش بود !!

قانون
ام برای
تخفیف
المدة

سواری
دستگاه
کردند
ك بصدا
سئولين
ال اعلام
چهر رفتار
ود باشند
در آتیه
مد ساله
ينچنين
دو سوء

قتل يك افسر راهنمائی و همسرش با سه گلوله

ستوان قائم مقامی افسر راهنمائی و سودابه مظاهری
قربانیان این حادثه فوجیه هستند

«ستوان دوم مهدی قائم مقامی»
اهل مشهد افسر جوان اداره راهنمائی
و رانندگی تهران با همسر ۲۲ ساله اش
«سودابه مظاهری» که بشازگی قصد
داشتند زندگی نوینی را آغاز کنند
از مدتها قبل بر اثر پاره‌ای از
مسائل خانوادگی اختلاف داشتند.
کار این اختلاف آنقدر بالا گرفت و
افسر جوان آنقدر از رفتار همسر
خود بسته و آمد که سر انجام یکی
از روزها که بسر کار خود رفته
بود ابتدا نامه‌ای نوشت و سپس با
اتومبیل بتجریش رفت و در نزدیکی
پمپ بنزین با همسرش و مادر او که
با اتومبیل خود سرگرم گردش و
تفریح بودند مصادف شد.



متابعت نکردن زن از شوهر
و پشت گوش انداختن تذکرات او
عصبانیت او را تحریک میکند و او
را باتخاذ تصمیم نامساعدی تشویق
مینماید که متأسفانه در سال گذشته
شاهد یک نمونه از نتیجه این قبیل
رفتار سوء که باعث از بین رفتن
یک زن و شوهر جوان شد بودیم.

وی بمحض مشاهده آنها
ابتدا همسر خود را از زیر اتومبیل
پائین کشید و سپس اسلحه کمربند
خود را در دست گرفت و دو گلوله
بطرف همسرش و یک گلوله در شقیقه
خود خالی کرد.

خطر هر وئین و جوانان



و بی‌نی ندارد بعنوان نمونه در سال گذشته جوان بیست و هفت ساله‌ای بنام احمد عمیم که ماهیانه ۹۰۰ تومان از پدر خود میگرفت چون این مبلغ بهای هر وئین مصرفی او را تامین نمی‌کرد و پدرش نیز قادر باصافه کردن مبلغ مقرری نبود یکرورز با تفنگ شکاری پدرش علی اکبر عمیم را که در عین حال از قضات با سابقه دادگستری بود با گلوله کشت. و نا مادریش را نیز بسختی مجروح کرد و اینک در انتظار شروع محاکمه در زندان روز شماری میکند.

مبارزه با هر وئین از مبارزات ثمر بخش و مفیدی بود که خوشبختانه در سال گذشته از طرف مقامات پلیس و ژاندارمری کشور بخوبی دنبال شد و نتایج نیکوئی در بر داشت.

باید گفت همانطور که استعمال زیاد آن اغلب اوقات باعث مرگ معتاد شده است و بعنوان مثال قربانیانی نظیر داریوش رفیعی - غزال - تفکری نیز داده است در بسیاری مواقع نیز نرسیدن آن باعث تحریک معتاد در ارتکاب جنایت گردیده است - چه هنگامیکه هر وئین بشخص معتاد نرسد او از کشتن عزیزترین کس خود نیز ترس

ستوان قائم مقامی در بیمارستان در گذشت و سودابه در بیمارستان نجمیه بستری شد ولی پس از سپری شدن دو ماه و هشت روز یعنی درست هنگامیکه فردای آن روز قرار بود سودابه برای معالجه به آلمان فرستاده شود فوت کرد و باین ترتیب او هم به شوهرش پیوست. مادر سودابه به شیراز رفت و برای همیشه عزلت را انتخاب کرد.

ی
قلمی
نمائی
لش
قصه
کنند
ی از
متند.
رفت و
همسر
یکی
رفته
با
یکی
او که
ش و
آنها
مبیل
مری
گلوله
حقیقه
۱۲

نوروز

تا نوعروس باغ بدین زیور آمده است
نوروز را شکود و صفا دیگر آمده است
بگرفته لاله جام بآئین جم بدست
کامسال نوبهار بآئین تر آمده است
از گونه گونه گل که بر آورد سر زشاخ
دامان دشت راهمه زیب و فر آمده است
مستی فرای و شور فرای و طرب فرای
جان بخش و دل نواز و صفا پرور آمده است
بلبل ترانه گستر و قمری است نغمه سنج
زیر الادی گذشت و زمستان سر آمده است
این موبدی بر آتش گل گشته زندخوان
و آن مطربی به نغمه افسونگر آمده است
بس ژاله ریخته است بدامان کوه و دشت
آغوش هر شکوفه پر از گوهر آمده است
گلگشت دلبران شده گلشن که سرخ گل
این گونه دلفریب و چنین دلبر آمده است

تا گردش سپهر چه سازد که لاله را
بعد از هزار دور بکف ساغر آمده است
مانا ز چین گذشته نسیم سحر گهی
کامروز در چمن همه مشک تر آمده است
بستان نگار خانه چین شد ز کلك صنع
نوروز رشک مانی صورتگر آمده است
نو شد زه آن کهنه جوان شد جهان پیر
دور سپهر را روش دیگر آمده است
بر شاخ سرو فاختگانند پای کسوب
رامش گزین دشت که رامشگر آمده است
شد گاه آنکه جلوه گر آئی بسوی باغ
حالی که گل شکفته و بر منظر آمده است
لاله چراغ ز آتش زر دشت بر فروخت
تا دیده گل بچهره چون آذر آمده است
می در پیاله ریز بآئین باستان
اکنون که پیک خرمی از در آمده است
باز آی ای بچهره دلارا تر از بهار
تا باز بنگری که چه ام بر سر آمده است
رفتی بقهر و رفت مرا از کف اختیار
باز آکه باز جان بلب از غم بر آمده است
بیمازم ای بچشم تو سوگند تا مرا
رنجور دل ز دور مه و اختر آمده است
ای پای تابسر همه ناز از سر نیاز
از در مران رهی راکت بر در آمده است
هیچم نماند جز تو و غیر از نوای تو
طبع مرا نگر که نوا گستر آمده است
جان بر لب آیدم که لب ت بر لبم رسد
هان ای بهشت من که لب ت کوثر آمده است

چند خاطرہ از زندگی سر لشکر

علی اکبر ضرغام

سر لشکر علی اکبر ضرغام در تهران متولد شده و در محله مروی خیابان ناصر خسرو مقابل شمس العماره خانه پدرش بدنیا آمده. تحصیلات متوسطه را در طهران دبیرستان نظام بیابان رسانیده و در دانشکده افسری با رتبه ممتاز شاگرد اول دسته پیاده نظام شده با درجه سروانی بسمت فرمانده اتاب نیروی نظامی که بجنک «حمدرشید» «محمدرشید» مدتها در سقزو بانه کردستان بسر برده در زمان حکومت آقای دکتر مصدق اول بمعاونت فرمانداری نظامی تهران و بعد بمدیریت کل قندو شکر ایران نائل آمده است.

قبل از اینکه ضرغام مدیر کل قندو شکر شود وضع قندو شکر ایران بسیار فلاکت بار و عدم نظم در بها و تقسیم عادلانه قندو شکر برای دولتها مسئله بفرنجی بود که هیچیک از رجال دولتی قادر بحل آن نبودند و کلابی مجلس و مالکین متنفذ موجودی قندو شکر را بعنوان جیره بندی و بصورت سهمیه بنام اشخاص و رعایای واهی از اداره قندو شکر می گرفتند و در بازار آزاد بچند برابر قیمت می فروختند بطوری که کوپن قندو شکر از اسکناس معتبرتر شده بود و هنوز هم امواج صدای دلالتی که در کوچه ها و خیابانها فریاد میکشیدند «کوپن قندو شکر میخریم» در گوش مردم منعکس است.

ضرغام بوضع شرب الیهود قندو شکر سرو صورت داد و چنان پایه استواری برای آن بوجود آورد که چند سال است بانظم و ترتیب و عدالت عموم مردم بقندو شکر دسترسی دارند بعد از سرو سامان دادن باداره کل قندو شکر بمدیریت گل گمرک ایران رسید سر لشکر ضرغام که یک نظامی جدی بود و همیشه با اسب و تفنگ و صف جمع یاب است خبردار سروکار داشت معلوم نبود چطور میتواند تمرک از هم گسیخته را که یک کار تخصصی بود رونق بخشد خودش میگوید روزی که باداره



روی
بیانات
سری
سمت
ها در
صدق
بران

شکر
رای
و دند
تیره
شکر
نوپن
هائی
در

ننان
تیب
ادن
رغام
بست
بخته
داره

كل گمرک رفتم متوجه شدم که از دنیای نظامگیری بعالمی آمده‌ام که سروکارم با عدد و رقم و حساب است قوانین گمرکی سالیان دراز است که رویهم انباشته شده و اشخاصی که سی سال در گمرک خدمت کرده‌اند با اشکال میتوانند سیل کالاهای رنگا رنگی را که از اروپا و آمریکا به ایران می‌آید از گمرک طبق مقررات مرخص کنند فوراً فکری به خاطرم رسید و تصمیم گرفتم که مقام و منصب را فراموش کنم و دوباره به تحصیل دانش جدیدی مشغول شوم از همان روز آئین نامه‌ها و قوانین گمرک را بخانه بردم و شبها مشغول خواندن و حفظ کردن مواد مختلف آن‌ها شدم صبحها که عازم اداره بودم وقتی مشغول تراشیدن صورت میشدم آئین نامه‌های گمرک را بهمسرم میدادم و میگفتم خیلی جدی از من بپرس و با سخت‌گیری نمره بده .

خانم مواد مختلف و تبصره‌های رنگارنگ را سؤال میکرد و من در حال اصلاح یا خوردن صبحانه جواب میگفتم و موقع خروج حدود نمره‌ام را از خانم معلم میپرسیدم و خوشبختانه اغلب نمره خوب میگرفتم بطوری که در ظرف ده روز يك گمرکچی وارد از کار در آمدم همین عمل ضرغام که بشوخی بیشتر شمیة است حکایت از عظمت فکر و قدرت کار و نیروی ابتکار او میکنند کما اینکه در زمان ریاست گمرک او بود که کارمندان گمرک بحقوق واقعی خود رسیدند میگویند در زمان ریاست گمرک ضرغام او سعی میکرد ایام تابستان را که هوای جنوب ناراحت کننده بود بخوزستان سفر کند و در همانجا بماند یکروز که کارمندان گمرک مشغول ترخیص کالاهای بازرگانان بودند ضرغام در حاشیه اوراق ترخیص چشمش بجماله‌ای خورد که نوشته بود « صدی يك » پاداش کارمندان فوراً از حسابداری موجودی آن قسمت از درآمد گمرک را خواست معلوم شد مبالغی پول در آن حساب بلااستفاده مانده از همان روز و از محل همان سود صدی يك شروع بساختن بیمارستان وزارت گمرکات را در اهواز کرد که مجهز ترین بیمارستان جنوب است . و قبل از آن از محل فروش گونیهای خالی قند و شکر خانه‌های متعددی برای کارمندان و کارگران ساخت که در حقیقت بدون استفاده از بودجه دولت تنها کسی بود که توانست عسرت مسکن و ناراحتی بهداشت کارمندان گمرک و قندشکر را برطرف کند طولی نکشید که سر لشکر ضرغام بمقام

وزارت دارائی رسید و در تمام دوره خدماتش که ده سال در دوائر غیر نظامی بود سعی داشت که همیشه خدمتگذار مردم کوچک و بزرگ باشد وزیر دارائی سابق مردیست با صراحت لهجه یک دنده کاربر و متکی بنفس در برابر مشکلات گردن خم نمیکند و همیشه تکیه کلامش این جمله است که میگوید «من مخلص مردم کوچک و بزرگ هستم» او از رجال معدود کشور است که از میان طبقه سوم بیرون آمده و ضمن اینکه مدتی در صف هیئت حاکمه نشسته ولی قیافه اش عوض نشده و هنوز گذشته اش را از یاد نبرده است.

وقتی ضرغام وزیر دارائی بود در یک خانه ۱۱۰ متری در خیابان سی متری زندگی میکرد روزهای جمعه بقیچه حمامش را بحمام خارج از منزل میبردند و عصر پنجشنبه در سلمانی مینوئی که دم گذر سی متری بود میرفت مینشست و اصلاح میکرد هر چه وزراء باو اصرار میکردند که تغییر منزل بدهد میگفت من از سروانی در این خانه زندگی کرده ام رفتگر محل حق بگردنم دارد سلمانی محل و بالاخره حمام محل و همسایه ها، شهرت کوچکی منزل ضرغام بجائی رسید که در هیئت وزراء آقایان وزیران اصرار کردند که او تغییرخانه بدهد تا بتواند با همکارانش معاشرت کند چون این پیشنهاد از توجه مخصوص اعلیحضرت سر چشمه گرفته بود بالاخره بانگ کشاورزی حاضر شد ۶۰۰ متر زمینی را که ضرغام مثل سایر افسران باقرعه و باقسط از بهترین محل عباس آباد خریده بود و متری چهار هزار ریال ارزش داشت بگیرد و یک قطعه زمین از جنگل ساعی بوزیر دارائی بدهد این معاوضه عملی شد و هزینه قسمتی از ساختمان خانه ضرغام را هم شاهنشاه بعنوان پاداش مرحمت کردند در نتیجه سر لشگر - علی اکبر ضرغام تغییر مکان داد و پس از ده سال خدمات صادقانه بدون هیچ گونه مدرک و دلیلی در پادگان جمشیدیه بازداشت شد اکنون سیصد روز است که ضرغام زندانی است.

شخص نخست وزیر در جلسه ای که پنج نفر از مدیران مجلات معتبر در پارک امین الدوله حضور داشتند اعتراف کرد که تمام دستگاہهای دولتی کنکاش کرده اند و یک دینار سوء استفاده از سر لشگر ضرغام پیدا نشده وزیر عدلیه نیز بمخبرین جراید گفت سر لشگر ضرغام را دادگستری توقیف

بقیه در صفحه ۴۸

یادی از گذشته و حال آقای الموتی

وزیر دادگستری



الموتی وزیر دادگستری کابینه دکترامینی از قضات عادل و شریف و بشردوست است در زمان جوانی مثل همه مردم که به پیشرفت و

ترقی مملکت علاقمند بودند الموتی هم سعی داشت بهمراهی دوستان و یاران خود قدمی بردارد که تبعیض و حق شکنی از میان برود مخصوصا وجود فشار طبقه حاکمه او را مثل بیشتر جوانان آن زمان و امروز بسوی عدم رضایت سوق داد و همیشه بفکر این بود که باهمدستی یک تیب اصلاح طلب خدمتی انجام بدهد.

در زمان شاه فقید که نقشه های اصلاحی بوسیله هیئت حاکمه اجرا میشد ناگهان جسته گریخته خبری انتشار یافت که ۵۳ نفر از جوانان کشور با اتهام مرام کمونیستی دستگیر و بزندان افتاده اند در میان ۵۳ نفر اشخاصی بودند که باطنا کمونیست نبودند ولی برای اصلاح وضع ایران و پیشرفت طبقه جوان بهر خطری تن میدادند و بهمراهی قدم مینهادند یکی از آن اشخاص الموتی وزیر عدلیه کابینه دکتر امینی بود دلیل صادق این نظر این بود که بعد از آزادی ۵۳ نفر الموتی احزاب سیاسی را ترک گفت و بشغل قضاوت پرداخت ولی تا مدت ها هر وقت اسم جمعیت های کمونیستی برده میشد نام الموتی هم بزبان می آمد بطوری که تا سال ۱۳۲۷ همه دستگاہها او را یکی از افراد کمونیست حزب توده میشناختند و تا همین سال بود که وضع زندگی وزیر دادگستری کابینه دکتر امینی از لحاظ مالی باعسرت میگذشت و این قاضی رشید و پرهیزکار از مال و منال دنیا چیزی نداشت در زمانی که زندانی بود و در بوشهر زندگی میکرد تنها درآمدش از راه تدریس و تقریر نویسی میگذشت و تا بعد از واقعه شهریور در آنجا بسر میبرد در آن زمان آقای پرویز راین مخبر اسوشیتدپرس در بوشهر تلگرافچی بود راین از آزادی الموتی خاطره ای بیاد دارد که شنیدنی است او میگوید بعد از واقعه شهریور یکروز غروب تلگرافی بصورت خصوصی از طهران دریافت کردم که یکی از دوستان مخبره کرده بود متن تلگراف این بود که « شخصی بنام الموتی که در زندان بوشهر بوده » فردا مرخص میشود بشما مراجعه میکند یکصد و پنجاه ریال برای هزینه سفر او بپردازید قبول است. امضاء» متن این تلگراف برای من خاطره ای ایجاد نکرد حواله اش را پرداخت کردم و رسیدی گرفتم اورفت و من هم موضوع را فراموش کردم سالها گذشت و روزگار یاد آن روز و آنمرد و آن تلگراف را از خاطر من زدود خدمت من در تلگرافخانه عوض شد داخل امور مطبوعاتی

شدم و بخبرنگاری آسوشیتدپرس پرداختم درست بیست سال بعدصورت
اسامی وزراء دکترامینی را نگاه کردم و قیافه وزیر دادگستری بنظرم
آشنا آمد یکروز صبح برای يك مصاحبه اختصاصی بوزارت دادگستری
رفتم پس از نیمساعت گفتگو باوزیر عدلیه ناگهان پیادم آمد که این
وزیر مقتدری که اکثر رجال مملکت از نام و مقامش دچار رعب و وحشت
هستند همان زندانی بیست سال پیش است که برای دریافت ۱۵۰ ریال بمن
مراجعه کرده بود.

اینجا بود که اثر تقدیر و سرنوشت را بصورت مدرک مجسم درک
کردم و بخاطر مرسید که در زندگی رجال سیاسی نشیب و فراز فراوانی
وجود دارد و پیروزی پایدار آن طبقه از رجال هستند که در برابر فشار
بزرگ زندگی گردن خم نمیکنند و برای رسیدن به هدف خود در پستی
و بلندیهای عمر با پشتکار قدم بر میدارند بهترین نمونه این قبیل اشخاص
آقای المونی وزیر دادگستری ایران است که در برابر سیل خروشان حوادث
خطرناک ایستاد تا امروز که خود قدرت بزرگی در کابینه دکتر علی امینی
است و از حیث ثروت هم از طریق حکمیت ورثه مرحوم وثوق الدوله
حق الزحمه ای دریافت داشته که اکنون مردی نیاز و سرمایه داری است که
خوشبختانه احتیاجی بمال دنیا ندارد.

بقیه خاطره سر لشکر ضرام

نکرده است و با اینکه بیک فرد خدمتگذار چنین ظلم فاحشی شده و ۹ ماه
است که از کانون زندگی خود دور است با قیافه ای متبسم و اراده ای آهنین
در کنار استخر جمشیدیه قدم میزند و بدوستانش که روزهای پنجشنبه
بدیدنش میروند میگوید بهترین درجه و عالی ترین مقام برای من وجدان
آرام است و چون این منصب بزرگ بشریت را برای خودم حفظ کرده ام
هر مدتی که در زندان بمانم هیچگونه دغدغه خاطر و نگرانی ندارم چون
میدانم که مردم حق شناس و آنها که قدر خدمات مرا دانسته اند فراموشم
نمی کنند.